



## حضرت زهرا (س) الگویی برای اقدام خواص در لحظه نیاز جامعه اسلامی

تحلیل رفتار سیاسی اجتماعی حضرت صدیقه طاهره (س) پس از رحلت رسول معظم اسلام (ص) الگویی است که می‌تواند به عنوان ملاک رفتاری خواص در لحظه‌های حساس و سرنوشت ساز مطرح باشد.

تحلیل رفتار سیاسی اجتماعی حضرت صدیقه طاهره (س) پس از رحلت رسول معظم اسلام (ص) الگویی است که می‌تواند به عنوان ملاک رفتاری خواص در لحظه‌های حساس و سرنوشت ساز مطرح باشد.

خبرگزاری مهر &ndash; گروه دین و اندیشه - حسین ایزدی: لحظات رحلت و پس از ارتحال پیامبر مکرم اسلام (ص) یکی از حساس‌ترین لحظات تاریخ اسلام و حتی تاریخ جامعه بشری است. آخرین پیامبر الهی که خاتم پیامبران است دار فانی را وداع می‌گوید و میراث ماندگار هدایت جامعه بشری را از خود بر جای می‌گذارد. اگر این میراث به خوبی تلقی نشده و پس از وی امتداد نیابد، هدف رسالت وی ناتمام خواهد بود. کینه توزان و لشگریان انسی شیطان در کمین نشسته‌اند تا از انتقال صحیح جریان خلافت پس از رسول اسلام (ص) جلوگیری کنند.

فضای سیاسی سنگینی بر جامعه حاکم است. شبکه مخفی قدرت و اهالی سقیفه به لحاظ اجتماعی طیف گسترده‌ای از قبایل و طوایف عرب را تحت تأثیر خود دارند و فضای عمومی جامعه را تحت مدیریت روانی خود نگاه داشته‌اند. هر کسی نمی‌تواند خود را از زیر سایه‌ی سیطره‌ی ایشان برهاند. آزاداندیشی و آزادگی در این فضا کار هر کسی نیست. بنابر بیعت چند ماه پیش مردم، خلافت باید به امیرالمومنین (ع) برسد، همه در دل، این واقعیت را می‌دانند ولی فضای حاکم بر جامعه واقعیت را به گونه‌ای دیگر رقم می‌زند. به گونه‌ای که کسی جرأت و جسارت مقابله با تصمیم شبکه قدرت و ثروت آن روز را نداشته باشد.

در چنین شرایطی نگاه مردم به خواص و چهره‌های اثرگذار جامعه است. یاران قدیمی پیامبر (ص) در لحظه فتنه چگونه موضع می‌گیرند؟ چند عنصر کلیدی پیش روی خواص قرار دارد که بر اساس آن باید تصمیم گرفته و اقدام کنند.

تشخیص لحظه‌ی حساس نیاز جامعه اسلامی.

تشخیص اینکه این لحظه، هنگامه‌ی اقدام است.

برخوردری از جسارت و شجاعت برای اقدام متناسب.

تشخیص نوع اقدام متناسب با لحظه و اینکه در این شرایط چه واکنشی بهترین اقدام به شمار می‌آید.

ایستادگی و پایداری بر تبعات و لوازم اقدام (پذیرفتن نتیجه‌ی تلخ و شیرین بیان حق و طرفداری از حق)

نزدیک‌ترین چهره در جامعه اسلامی آن روز به رسول خدا (ص)، حضرت صدیقه کبری (س) است. او با اینکه یک زن است اما در بین مردم از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است.

حضرت صدیقه (س) در این لحظه‌ی حساس تاریخی تشخیص می‌دهد که جریان اصیل رسالت نبوی (ص) در معرض خطر تحریف و تصاحب قرار گرفته است. غصب توأمان فدک و خلافت یعنی غصب ابزار اقتصادی و سیاسی از خاندان رسالت. یعنی به حاشیه راندن و خلع سلاح وارثان حقیقی خلافت و زمینه سازی برای تصاحب عناصر قدرت و ثروت جامعه اسلامی در چنگال عناصر نفاق و فتنه.

در چنین شرایطی که فضای سیاسی و اجتماعی به نفع جریان نفاق است، اما اصل حاکمیت دینی در خطر انحراف است، بی تردید سکوت جایز نیست. فاطمه زهرا (س) سکوت را می‌شکند، و در مسجد برای عموم جامعه اسلامی خطبه‌ای قرائت می‌کند. عبور از سکوت و تصمیم برای اقدام علیه جریان نفاق به نفع حاکم واقعی و ولی جامعه‌ی دینی اولین حرکت الهام بخش حضرت زهرا (س) است. این تصمیم در آن شرایط می‌تواند خطرات بزرگی در پی داشته باشد تا جایی که جان وی را تهدید کند، ولی سکوت را جایز نمی‌شمارد، حتی به

تصمیم برای اقدام، حتی کار مردان جنگاور آن روز هم نبود. به گونه ای که در روایتی می‌<ZWNJ>فرماید: ارتدّ الناس بعد النبی إلا أربعة. بعد از ارتحال پیامبر (ص) همه مرتد شدند (یعنی از اسلام و پیمان حقیقی با رسول خدا برگشتند) مگر چهار نفر. این روایت نشان می‌<ZWNJ>دهد فضای بسیار خاصی بر جامعه آن روز سایه گسترده بود که هیچ کس حتی یاران قدیمی پیامبر (ص) جسارت بیان حقیقت را نداشتند.

حضرت زهرا (س) در چنین شرایطی به روشنگری و بصیرت افزایی در بین مردم می‌<ZWNJ>پردازد. تحلیل عناصر به کار گرفته شده در خطبه‌<ZWNJ>ی فدکیه مجالی دیگر می‌<ZWNJ>طلبد و می‌<ZWNJ>توان به تفصیل از آن سخن گفت، اما کوتاه سخن اینکه جریان نفاق با استفاده از ظواهر و متون دینی به تحریف دین و غصب خلافت پرداخت و حضرت زهرا (س) با تبیین دقیق مبانی دینی و تحلیل مسائل تاریخی و پیشینه اجتماعی جامعه آن روز، این ابزار را از دست آن‌<ZWNJ>ها گرفته و مغالطاتشان در تحریف کلام خدا و رسول خدا را بیان می‌<ZWNJ>دارند.

پس اولاً حضرت به خوبی لحظه‌<ZWNJ>ی نیاز را تشخیص دادند. لحظه ای حساس که بسیاری از خواص جامعه به سادگی از کنار آن عبور کردند.

ثانیاً جسارت اقدام و شجاعت بیان واقعیت را داشتند، حتی اگر این بیان واقع تلخ‌<ZWNJ>ترین عواقب و نتایج را برای ایشان در پی داشته باشد. زیرا مصلحت جامعه اسلامی بی تردید مهم‌<ZWNJ>تر از مصلحت یک فرد است.

ثالثاً برای اقدام دارای طرح و مدل متناسب با شرایط زمانی بودند. ایراد خطبه فدکیه با تحلیل عناصر آن نشان می‌<ZWNJ>دهد، اولاً سخن گفتن با بدنه‌<ZWNJ>ی مردم و نیز لایه نخبگان مؤثر جامعه در آن لحظه را برگزیدند. از سویی روشنگری، غبارزدایی از فتنه‌<ZWNJ>ها، یادآوری حقیقت‌<ZWNJ>های فراموش شده و بیان آثار نادیده گرفتن واقعیت را یادآوری فرمودند. از سوی دیگر به رفع شبهاتی که دستگاه شبهه پراکنی و عملیات روانی جریان نفاق در جامعه ایجاد کرده بود، پرداختند. پس شناسایی معضلات فکری جامعه در لحظه‌<ZWNJ>ی نیاز و عناصری که در تصمیم گیری ایشان مؤثر است، و حرکت به سمت ترمیم آسیب‌<ZWNJ>های فکری اقدام دیگر ایشان در آن لحظه بود.

غصب خلافت سیاسی، مقدمه ای برای غصب مکتب فکری و یا به عبارتی تحریف مکتب فکری است. در صدر اسلام ابتدا خلافت سیاسی مورد غصب واقع شد و به مرور زمان، مکتب فکری ناب اسلام به وسیله جریان حاکمیت نفاق مورد تحریف و بدعت قرار گرفت.

در انقلاب اسلامی، جریان انتقال خلافت سیاسی امام راحل به خوبی انجام شد، اما جریان نفاق که موفق به تصاحب کرسی خلافت و دستگاه قدرت نشده بود، برای تصاحب خلافت فکری مکتب امام، برنامه ریزی کرد. برنامه ای که امروز رهبری معظم انقلاب از آن به (تحریف مکتب امام) یاد می‌<ZWNJ>کنند.

در تحریف مکتب امام، حرکت آن قدر ظریف است که با امام، امام تحریف می‌<ZWNJ>شود. به گونه ای که تشخیص مغالطات و انحرافات ساده نباشد. تحریف مکتب امام مساوی با قلب ماهیت انقلاب اسلامی است. خواص جامعه اسلامی باید اولاً این لحظه‌<ZWNJ>ی نیاز را تشخیص دهند، ثانیاً جسارت اقدام داشته باشند، ثالثاً به روشنگری و بصیرت افزایی پرداخته و مدل‌<ZWNJ>های اقدام متناسب را شناسایی کنند. رابعاً از تبعات تصمیم و اقدام روشنگرانه‌<ZWNJ>ی خود نهراسند.